

## پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی در کارکنان اقماری

معصومه اسماعیلی<sup>1\*</sup>، معصومه درایی<sup>2</sup>، فاطمه سادات شفیعی<sup>3</sup>

1. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

2. کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد استهبان، ایران

3. دانشجوی دکتری، روان‌شناسی سلامت، تهران، ایران

تاریخ دریافت: 1401/02/15 تاریخ پذیرش: 1401/04/04

### Predicting Marital Commitment Based on Family Communication Patterns, Sexual Satisfaction and Marital Intimacy in On/Off Basis Employees

M. Esmaeili<sup>1\*</sup>, M. Deraei<sup>2</sup>, F.S. Shafiee<sup>3</sup>

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. M.A., Family Counseling, Islamic Azad University, Estahban, Iran

3. PhD Student in Health Psychology, Tehran, Iran

Received: 2022/05/05

Accepted: 2022/06/25

#### Abstract

The main purpose of this study was to determine the contribution of family communication patterns, sexual satisfaction and marital intimacy in predicting the marital commitment of on/off basis employees. The present study was descriptive and correlational. The statistical population of the study consists of all on/off basis employees of Bushehr province, who were employed in 1400. From the statistical population, 120 on/off basis employees of Bushehr province were selected by availability sampling and studied. Hudson Sexual Satisfaction Questionnaire (ISS), Marital Intimacy (MIS), Adams & Jones (1997) Marital Commitment (CPQ) and Christian and Salawi (1984) communication patterns were used to collect data. After collecting and extracting data, participants' scores were analyzed using Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis. The results showed that there was a significant positive relationship (0.01) between sexual satisfaction and marital intimacy with marital commitment of on/off basis employees and a significant positive relationship (0.01) between the components of reciprocal constructive relationship with marital commitment and reciprocal patterns of expectation / withdrawal and avoidance. There is a significant negative relationship with marital commitment (0.01). The results also showed that the dimensions of family communication patterns (reciprocal constructor, mutual expectation / withdrawal and avoidance), sexual satisfaction and marital intimacy significantly have the power to predict marital commitment in on/off basis employees.

#### Keywords

Communication Patterns, Sexual Satisfaction, Marital Intimacy, On/Off Basis Staff

#### چکیده

این پژوهش با هدف تعیین سهم الگوهای ارتباطی خانواده، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان اقماری انجام گرفت. پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارکنان اقماری استان بوشهر بوده که در سال 1400 مشغول به اشتغال بوده‌اند. از بین جامعه آماری 120 نفر از کارکنان اقماری استان بوشهر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های رضایت جنسی هادسون (ISS)، صمیمیت زناشویی (MIS)، تعهد زناشویی آدامز و جونز (1997) و الگوهای ارتباطی (CPQ) کریستین و سالاری (1984) استفاده گردیده است. بعد از جمع‌آوری و استخراج داده‌ها، نمرات شرکت‌کنندگان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با تعهد زناشویی کارکنان اقماری رابطه مثبت معنادار (0/01) بین مؤلفه‌های ارتباط سازنده متقابل با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار (0/01) و بین الگوهای توقع/کناره‌گیری و اجتناب متقابل با تعهد زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد (0/01). همچنین نتایج نشان داد که ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (سازنده متقابل، توقع/کناره‌گیری و اجتناب متقابل)، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی به صورت معناداری قدرت پیش‌بینی تعهد زناشویی در کارکنان اقماری را دارند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین الگوهای ارتباطی خانواده، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با تعهد زناشویی در کارکنان اقماری ارتباط معناداری وجود دارد.

#### واژه‌های کلیدی

الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی، صمیمیت زناشویی، کارکنان اقماری

## مقدمه

کار و خانواده دو سیستم اساسی زندگی هر فرد هستند که هر یک جنبه‌ای منحصر به فرد از رفتار انسانی را شکل می‌دهند و هر فرد باید میان آنچه که هر کدام از این دو جنبه زندگی از او طلب می‌کنند، تعادل برقرار سازد. کارکنان طرح اقماری به کسانی گفته می‌شود که به صورت دوره‌ای از اشتغال و دوره‌ای از استراحت مشغول به کار هستند (عقلی‌زاده و مرادیان‌زاده، 1393). در این نظام فرد در محلی به جز محل سکونت خود مشغول به کار است و در دوره زمانی کار دور از خانواده است. این دو سبک زمانی برای کار اقماری وجود دارد. کار اقماری با نسبت یک - یک و کار اقماری با نسبت دو - یک در سبک اول افراد برابر با زمانی که در محل کار به خدمت می‌پردازند، به آنها استراحت داده می‌شود اما در سبک دوم زمان استراحت نصف زمان اشتغال به کار است (دییاجی، 1391). سازگار کردن کارکنان اقماری و خانواده آنها با این الگوی کاری، ارتباط بسیار قوی با کیفیت زندگی زناشویی این کارکنان دارد (تاکچی، یان و تسلوک، 2002). از مهم‌ترین مواردی که قادر است آنان را با کار اقماری کارکنان سازگار کند، حمایت و دارا بودن مؤلفه‌های پشتیبان خانواده‌ای و ازدواج موفق رضایتمند است (گروس والد، 2004).

هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است. تعهد زناشویی، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (موسکو، 2009). متعهد بودن نسبت به همسر و خانواده برای ازدواج موفق رضایتمند که متضمن سلامت روان و کیفیت زندگی است، بسیار تعیین‌کننده و مهم است. تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت‌های حل مسئله مناسب‌تر و رضایت زناشویی رابطه معناداری دارد (ترویوه و همکاران، 1399؛ کاپینوس و جانسون، 2003؛ مسترز، 2008؛ تیلگمن و همکاران، 2008؛ مدرسی و زاهدیان، 1393). تعهد به معنای درجه‌ای از پایبندی است که هر شخص برای حفظ رابطه زناشویی بایستی دارا باشد (آدامز و جونز، 1997). به نظر می‌رسد یکی از عواملی که تأثیر بسزایی در میزان تعهد زناشویی دارد، مدل الگوی ارتباطی خانواده است. با توجه به اهمیت سازگاری و تعهد زناشویی در سلامت کارکنان اقماری و در

نهایت، تعادل خانواده و جامعه، بشر از دیرباز با این سؤال که «چرا زوجین دچار ناسازگاری و عدم تعهد می‌شوند؟» مواجه بوده است. در پاسخ به سؤال مزبور، رویکردهای متفاوتی مطرح گردیده است که در این میان، رویکرد «شناختی-رفتاری» در قالب الگوی «رفتاری-ارتباطی» از اهمیت خاصی برخوردار است. این الگو، رفتار همسر را همیشه در زمینه رابطه‌ای آن مورد ارزیابی قرار می‌دهد و این به معنای انکار فرایند فردی نیست؛ بلکه تأکید بر فرایند تعاملی است. رفتار یک همسر در خلأ رخ نمی‌دهد بلکه در رابطه با موضوعات، افراد و رویدادهای دیگر اتفاق می‌افتد. الگوی «رفتاری-ارتباطی» اساساً بر اصول تغییر رابطه به طور کل و آموزش مهارت‌های ارتباطی به طور ویژه تمرکز دارد (کرنر و فیتزپاتریک، 2002). تحقیقات در زمینه الگوهای ارتباطی نشان داده است که یکی از مهم‌ترین عوامل مشکل‌ساز بین زن و شوهر، اختلال در ارتباط است. مشکلات ارتباطی، رایج‌ترین مشکلات زوجین است و بیش از 90% زوج‌های آشفته، این مشکلات را به عنوان مشکل اصلی در روابط خود بیان می‌کنند (پور عابدی، 1389). کوثرنر و فیتزپاتریک (2002) ارتباطات خانوادگی را به عنوان کانالی که درون آن قواعد و نقش‌ها، فرایندهای تشخیص و تفاوت‌گذاری، مدیریت وظایف و امور، تعارضات و تصمیم‌گیری‌های خانوادگی در عرصه زندگی انجام می‌پذیرد، تعریف کرده‌اند. به‌طور کلی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که الگوی ارتباطی گفت‌وگوشنود با سلامت روان رابطه مثبت و معنادار و الگوی ارتباطی هم‌نواپی با سلامت روان رابطه منفی و معنادار دارند (زارعی و همکاران، 1393). ترویوه و همکاران (1400) نشان داده‌اند که بین تعهد زناشویی با صمیمیت زناشویی رابطه دارد و صمیمیت عامل مهمی در پیش‌بینی تعهد زناشویی است. بررسی عوامل مؤثر پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی که می‌تواند برای زوج‌هایی که مشکلاتی در باورهای ارتباطی زناشویی، صمیمیت و تعارضات ناشی از انتقاد و درگیری‌های عاطفی دارند؛ راهگشا و تسهیل‌کننده بازسازی نظام زندگی زناشویی آنها باشد (فرداد و همکاران، 1399).

یکی از متغیرهای اساسی که بر تعهد زناشویی کارکنان اقماری تأثیر بسزایی دارد، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی است. رضایت جنسی به عنوان یک

تنش و تعارض در محیط کار - خانواده را شناسایی کرد و با ارائه راه‌کارهای مناسب، کیفیت زندگی شغلی و زناشویی آنها را ارتقاء بخشید. با وجود اذعان همگان به اهمیت صمیمیت زناشویی، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در تعهد زناشویی ابعاد این متغیرها توجه چندانی را دریافت نکرده‌اند و مشخص نیست کدام یک از آنها نقش بیشتری در ایجاد و حفظ تعهد زناشویی دارند. این در حالی است که نقش و جایگاه ابعاد صمیمیت و تعهد در روابط زناشویی به دلیل افزایش روزافزون آمار تعارض‌ها، طلاق و خیانت‌ها، در مطالعات خانواده و ازدواج بسیار مورد توجه است. با توجه به اهمیت هر یک از این عوامل در زندگی زناشویی و در راستای حفظ سلامت و بهداشت روانی زوجین و بالتبع جامعه، ضرورت کسب آگاهی و شناخت بیشتر نسبت به عناصر مؤثر در روابط زناشویی به‌خصوص خانواده‌های اقماری، روشن است. یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر می‌تواند به دانش موجود در این حیطه بیفزاید و مورد استفاده مشاوران، روان‌شناسان و زوجین قرارگیرد. با توجه به اهمیت صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی در بین کارکنان اقماری و وجود شکاف پژوهشی در این زمینه محققان حاضر بر آن شدند تا به پاسخ این سؤال بپردازند که آیا الگوهای ارتباطی خانواده، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی قادر به پیش‌بینی تعهد زناشویی در کارکنان اقماری هستند؟

### مواد و روش‌ها

این پژوهش از جهت هدف کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه کارکنان اقماری استان بوشهر (امام حسن و جزیره خارک) تشکیل داده‌اند که در سال 1400 مشغول به کار و جمعیت آنها مشتمل بر 500 بوده است. نمونه مورد پژوهش 120 نفر از کارکنان اقماری استان بوشهر بوده که برای انتخاب آنها از روش نمونه‌گیری در دسترس (از نوع نمونه‌گیری غیراحتمالی) استفاده گردید. شرایط ورود به پژوهش عبارت است از (1) گذشتن حداقل 3 سال از زندگی مشترک (2) داشتن سواد خواندن و نوشتن (3) عدم ابتلا به بیماری‌های حاد روانی (4) تمایل به شرکت در پژوهش. بدین منظور در این پژوهش از سه پرسش‌نامه جهت گردآوری داده‌ها استفاده گردید.

ارزیابی ذهنی، شامل واکنش‌های تأثیرگذاری است که از ارزیابی روابط جنسی به‌طور کلی نشأت می‌گیرد و سلامت عمومی فرد را از جنبه‌های گوناگون تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (ثقی یار، 1393). رضایت جنسی؛ احساسی است که فرد از در آمیختن خوشایند روانی و تماس فیزیکی با لذت حاصل از آمیزش جنسی (تحریک جنسی و ارگاسم) به دست می‌آورد (جانسون و همکاران، 2001). صمیمیت زناشویی؛ فرایندی است که در آن زوجین اطلاعات، افکار و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند و پاسخی حاکی از احساس درک شدن و پذیرش را دریافت می‌کنند (باگاروی، 2001). پژوهش‌های ترادل (2005) و بیرس (2005)، بشارت (1396) و نیچولس (2005) و تروپوه و همکاران (1399) به تأثیر رضایت و صمیمیت جنسی بر تعهد زناشویی اشاره کرده‌اند.

کارکنان اقماری در زمینه کار و شرایط کاری با مشکلات و مسائلی رو به رو هستند که از جمله می‌توان به شرایط نامساعد زیستی، جغرافیایی، دوری از خانواده و محل زندگی، اضطراب‌های ناشی از زندگی در این مناطق، تعارض کار - خانواده، ناپایداری و عدم ثبات زندگی زناشویی اشاره کرد (بشارت و رفیع زاده، 1396). این مشکلات بیشتر در مشاغل اقماری و در مناطق مرزی و دورافتاده کشور به‌وضوح قابل رؤیت است (نوروزی و همکاران، 1398). در این سیستم نوبت کاری، خستگی، واماندگی، کسالت، انزوا، امراض روحی و روانی و بیماری‌های جسمی و بسیاری مسائل دیگر شایع و رایج است (لشگری، 1391). تعارض کار - خانواده، بهزیستی روان‌شناختی و سلامت روانی کارکنان اقماری در مقایسه با کارکنان عادی پایین‌تر گزارش شده است (کاظمی و کاوه، 1394). این عوامل و بسیاری از عوامل دیگر موجب بروز بیماری‌های روحی - روانی در بسیاری از کارکنان اقماری شده است. این کارکنان به دلیل نوع شغلشان که مستلزم کار در مناطق دور از شهر است، مجبور به خدمت دور از خانواده هستند. یکی از موارد چالش‌برانگیز در مورد کارکنان اقماری غیربومی، افزایش تعارض کار - خانواده و ناپایداری ازدواج در میان آنان نسبت به کارکنان بومی است (تروپوه و همکاران، 1399). بنابراین از طریق انجام پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های علمی در ارتباط با شرایط مختلف کارکنان اقماری، می‌توان منابع ایجاد فشار،

در مطالعه مقدماتی توسط عباسی مولید و همکاران (1388) روایی این آزمون مورد تأیید قرار گرفته است. سؤال‌های آزمون دارای یک مقیاس 5 درجه‌ای کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم است که به هر گزینه نمره بین 1 تا 5 تعلق می‌گیرد و به گزینه کاملاً موافقم نمره 5 و به گزینه کاملاً مخالفم نمره 1 داده می‌شود. این ابزار 44 سؤال دارد. دامنه کلی نمرات افراد بین 1 تا 172 نمره است و نمره بالاتر در این آزمون، بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می‌دهد.

### 3. پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی<sup>3</sup>: (MIS)

این مقیاس 17 ماده‌ای توسط تامپسون و والکر در سال 2002 برای سنجیدن میزان صمیمیت زوجین تنظیم گردیده است. نمره آزمودنی در این آزمون از طریق جمع نمرات سؤالات و تقسیم بر عدد 17 حاصل می‌شود. دامنه بین 1 تا 7 که نمره بالاتر نشانه صمیمت بیشتر است. این مقیاس توسط اعتمادی، نوابی نژاد، احمدی و فرزاد (1385) برای تعیین میزان پایایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای تعیین روایی محتوی و صوری ابتدا پرسش‌نامه توسط 15 نفر از اساتید مشاوره و 15 نفر زوج بررسی شده و روایی صوری و محتوی آن تأیید گردیده است، همچنین با بررسی روی 100 زن و شوهر در شهر اصفهان ضریب پایایی کل مقیاس را با روش آلفای کرونباخ 0/96 به دست آورده‌اند. اعتمادی و همکاران (1385) و همچنین بختیاری و همکاران (1398) از طریق اجرای هم‌زمان با پرسش‌نامه باگاروزی و برآورد ضریب همبستگی آنها 82% محاسبه کرده‌اند که در سطح 0/01 معنادار بود و نشان‌دهنده روایی ملاکی برای این مقیاس است. پایایی کل مقیاس را نیز 0/85 به دست آورده‌اند (بختیاری و همکاران، 1398).

### 4. پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی<sup>4</sup>: (CPQ)

کریستنسن و سالوی در سال 1984 این مقیاس سنجش را ساخته‌اند. این پرسش‌نامه 35 سؤال دارد و در یک مقیاس نُه‌درجه‌ای از اصلاً امکان ندارد (1) تا خیلی امکان دارد (9) درجه‌بندی شده است (برزگر و سامانی، 1395). این پرسش‌نامه سه مؤلفه ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب

### 1. مقیاس رضایت جنسی هادسون<sup>1</sup>: (ISS) در

سال 1981 توسط هادسون، هریسون و کروسکاپ برای ارزیابی سطوح رضایت زوجین ساخته شده است. این مقیاس دارای 25 سؤال است. پاسخ آزمودنی به هر ماده در سطح یک مقیاس 7 درجه‌ای بین 0 (هرگز) تا 6 (همیشه) مشخص می‌شود. دامنه نمرات بین 0 تا 150 است. همسانی درونی این مقیاس توسط طراحان محاسبه و آلفای کرونباخ آن 0/9 و اعتبار تفکیکی آن 0/76 به دست آمده است. در پژوهش هنرپروران، تبریزی، نوابی نژاد و شفیعی آبادی (1390) دو بعد پایایی و اعتبار این مقیاس مورد بررسی قرار گرفته که مقدار آلفا برای کل مقیاس رضایت جنسی برابر 0/94 به دست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این مقیاس 0/90 به دست آمده است.

### 2. پرسش‌نامه تعهد زناشویی<sup>2</sup>: (MCQ) این

پرسش‌نامه میزان و ابعاد پایبندی افراد به همسر و ازدواج را اندازه می‌گیرد. این آزمون توسط آدامز و جونز (1997) برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده و سه بعد تعهد زناشویی، شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را اندازه‌گیری می‌نماید. آدامز و جونز در شش پژوهش مختلف به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسش‌نامه آن را روی 47 نفر متأهل، 347 نفر مجرد و 46 نفر مطلقه اجرا کردند. آدامز و جونز میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را روی نمونه‌های یاد شده بدین شرح به دست آوردند: تعهد شخصی 91%، تعهد اخلاقی 89% و تعهد ساختاری 86% (عباسی مولید، 1388). در ایران شاه سیاه و همکاران (1389) اعتبار این پرسش‌نامه را تأیید و پایایی این پرسش‌نامه را بر اساس آلفای کرونباخ 85% گزارش کرده‌اند. آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و تعهد اجباری به ترتیب 79%، 82% و 84% به دست آمده است. در پژوهش حاتمی ورزنه و همکاران (1391) نیز ضرایب پایایی تمام خرده مقیاس‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه گردیده که به صورت تعهد به همسر 79%، تعهد به ازدواج 80% و تعهد اجباری 82% بوده است.

3. Marital Intimacy Scale

4. Communication Patterns Questionnaire (CPQ)

1. Index of Sexual Satisfaction

2. Marital Commitment Questionnaire

**جدول 2.** آزمون کولموگروف اسمیرنوف تک نمونه‌ای

مقیاس	Z	Sig
رضایت جنسی	77/0	41/0
صمیمیت زناشویی	98/0	53/0
الگوهای ارتباطی	86/0	50/0
تعهد زناشویی	49/0	28/0

از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک برقرار است.

نتایج آمار توصیفی جدول 1 نشان می‌دهد که میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش بدین صورت است که نمره مربوط به تعهد زناشویی و خرده مقیاس‌های آن با میانگین و انحراف استاندارد 60/80 (12/29) و میانگین و انحراف استاندارد رضایت جنسی 64/14 (9/34) و صمیمیت زناشویی 51/21 (7/86) و نمره کل الگوهای ارتباطی 52/82 (7/67) گزارش شده است که مقیاس صمیمیت زناشویی بیشترین میانگین و الگوهای ارتباطی کمترین میانگین را به خود اختصاص دادند.

با توجه به نتایج جدول فوق و سطوح معناداری به‌دست‌آمده، هریک از متغیرهای پژوهش که بزرگ‌تر از 0/05 است.

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقدار sig کمتر از 0/01 به‌دست‌آمده و نشان از معنادار بودن مدل رگرسیون است. از سوی دیگر، بین الگوهای ارتباطی با نمره کل تعهد زناشویی و خرده مقیاس‌های تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری همبستگی منفی و بین رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با تعهد زناشویی و خرده مقیاس‌های تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری همبستگی مثبت معناداری در سطح 0/01 برقرار است.

همان‌طور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، الگوهای ارتباطی با ضریب بتای 0/23 و در سطح 5 درصد توانسته تعهد زناشویی را پیش‌بینی کند. همچنین رضایت جنسی با ضریب بتای 0/58 و صمیمیت زناشویی با ضریب بتای 0/28 توانسته تعهد زناشویی را در سطح 0/01 پیش‌بینی کند.

متقابل و ارتباط توقع /کناره‌گیری را اندازه‌گیری می‌کند. در یک پژوهش برای بررسی همسانی درونی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضرایب آلفای کرونباخ برای ارتباط سازنده متقابل 0/61؛ اجتنابی متقابل 0/62 و ارتباط توقع /کناره‌گیری 0/50 به‌دست آمده است (معصومی و همکاران، 1396). در یک پژوهش دیگر ضریب پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ 0/84 به‌دست آمده است (سپهری شاملو و کرامتی، 1395).

### یافته‌ها

در این پژوهش، رابطه بین الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با تعهد زناشویی مورد مطالعه قرار گرفته است و جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق از ضرایب همبستگی، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردیده و در تمام مراحل تحقیق از نرم‌افزار آماری SPSS کمک گرفته شده است. در به‌کارگیری روش آماری، ابتدا با استفاده از آزمون آماری کولموگروف اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها مورد آزمون قرار گرفته است تا نوع روش آماری پارامتری، غیرپارامتری که باید استفاده شود مشخص گردد و در صورت نرمال بودن داده‌ها یکی

**جدول 1.** میانگین، انحراف استاندارد خرده مقیاس‌های تعهد زناشویی، صمیمیت زناشویی و الگوهای ارتباطی

شاخص آماری	میانگین	انحراف استاندارد
تعهد زناشویی	60/80	12/29
خرده مقیاس تعهد شخصی	18/75	3/73
خرده مقیاس تعهد اخلاقی	25/47	5/16
خرده مقیاس تعهد ساختاری	16/57	4/72
رضایت جنسی	64/14	9/34
الگوهای ارتباطی	52/82	7/67
سازنده متقابل	17/56	3/56
توقع/کناره‌گیری	18/20	3/36
اجتناب متقابل	17/05	3/40
صمیمیت زناشویی	51/21	7/86

جدول 3. نتایج رگرسیون پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	R	R2a	R2 adj	F	Sig
رگرسیون	04/10932	3	01/3644	78/0	60/0	59/0	93/59	000/0
باقیمانده	05/7053	116	80/60					
کل	20/17985	119						

جدول 4. ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و آماره تی متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون

متغیر پیش‌بین	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده	ضرایب رگرسیون استاندارد شده	آماره T	Sig	سطح معناداری
مقدار ثابت	61/41	Beta	73/13	000/0	01/0
الگوهای ارتباطی	-0/50	-0/23	-2/33	020/0	05/0
رضایت جنسی	08/1	58/0	74/5	001/0	01/0
صمیمیت زناشویی	61/0	28/0	61/2	009/0	01/0

### بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان چنین استنباط کرد که الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی 60 درصد توانایی پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند. الگوهای ارتباطی با ضریب بتای 0/23 توانست تعهد زناشویی را پیش‌بینی کند (0/01). همچنین رضایت جنسی با ضریب بتای 0/58 صمیمیت زناشویی با ضریب بتای 0/28 توانستند تعهد زناشویی را پیش‌بینی کنند (0/01)؛ بنابراین نتایج، فرض پژوهشگر را در خصوص اینکه الگوهای ارتباطی خانواده، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی قادر به پیش‌بینی تعهد زناشویی در کارکنان اقماری هستند، تأیید می‌کند. در رابطه با یافته‌های پژوهش مبتنی بر نقش پیش‌بینی‌کنندگی رضایت جنسی برای تعهد زناشویی کارکنان اقماری این یافته‌ها با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های فرداد و همکاران (1400)، ترویوه و همکاران (1399)، نوروزی و همکاران (1398)، تقی یار (1393)، صنعتی (1394)، بشارت و رفیع زاده (1396)، اتامسون و استوارت (2007) و شای (2010) همسو و هماهنگ بوده است. این یافته که نیاز به صمیمت می‌تواند تعهد زناشویی را در کارکنان اقماری به طرز معناداری پیش‌بینی کند با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های رضایی (1389)، محمدی (1393)، گیورتر و همکاران (2008) و وین برگر و همکاران (2009)، مدرسی

و زاهدیان (1392)، استانی و همکاران (2002)، باگاوزی (2001)، شای (2010)، و ویت بورن و همکاران (2019) همسو است.

تقی یار (1393) نتیجه گرفت که رضایت جنسی بیشترین تأثیر را بر صمیمیت و تعهد زناشویی دارد. فاروجینا و هوکاس (1998) نتیجه گرفتند که ارتباط‌های جنسی سهم منحصربه‌فردی در صمیمیت زوجین دارند. آماتو و راجرز (1997) نتیجه گرفتند که نبود رضایت جنسی میزان طلاق را پیش‌بینی می‌کند. باگاوزی (2002) نشان داد صمیمیت جنسی، صمیمیت کل را پیش‌بینی می‌کند. استانی و همکاران (2001) نتیجه گرفتند که رضایت جنسی در راستای تعهد زناشویی است. شای (2010) در پژوهش خود رضایت پایین از روابط جنسی را به عنوان بهترین پیش‌بینی‌کننده برای خیانت زناشویی معرفی کرد.

در تبیین این یافته که نیاز به صمیمت می‌تواند تعهد زناشویی را در کارکنان اقماری به طرز معناداری پیش‌بینی کند، می‌توان گفت صمیمیت زمانی رخ می‌دهد که شخص به خودآگاهی کامل دست پیدا کند و به احساسات و آرزوهای خود کاملاً واقف باشد. در این صورت، شخص تمایل پیدا می‌کند که در این احساسات و آرزوها با دیگری سهیم شود. در این مرحله است که بی‌پرده‌گویی در احساسات و دلبستگی‌ها اتفاق می‌افتد. این در حالی است

و بقای این ارتباط صمیمانه، رابطه جنسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نبود یا کمبود رضایت جنسی، سرزندگی و شادابی زوجین را از بین می‌برد و بر کیفیت زناشویی و به تبع آن بر تعهد زناشویی اثرگذار خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت که در ازدواج‌های موفق، تبادل و ارضای نیاز جنسی زوجین در حد قابل قبول و در شرایط صمیمی موجب تحکیم روابط و تعهد زناشویی می‌شود. تا آنجا که می‌توان گفت اصل اساسی در ازدواج‌های موفق، همانا ایجاد رضایت جنسی بین زوجین است. در واقع رابطه جنسی، دلبستگی بین زوجین را نسبت به هم زیاد می‌کند. زیرا این دو متغیر با یکدیگر ارتباط دارند و برای بسیاری از زوج‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که قادر باشند ارتباط لطیف‌تر و ظریف‌تری را با یکدیگر برقرار کنند و پاسخگوی نیازهای دلبستگی‌شان باشند. در واقع روابط جنسی جزئی از ارتباط‌های عاشقانه بین زوجین است. جاذبه‌های جنسی و هیجانی صمیمیت در روابط عاشقانه با رضایت از رابطه زوجی همبستگی دارند. در تبیین همبستگی مثبت بین تعهد زناشویی با رضایت جنسی می‌توان گفت که زوجین در زندگی زناشویی کیفیت رابطه جنسی‌شان را به‌عنوان معیاری برای ارزیابی رضایت از رابطه، میزان عشق، صمیمیت و تعهد در نظر می‌گیرند. در نتیجه به هر میزان که زوجین از رابطه جنسی خود رضایت بیشتری داشته باشند، از رابطه زناشویی خود نیز راضی‌تر بوده و عشق، صمیمیت و تعهد بیشتری را تجربه می‌کنند. از سویی یکی از مؤلفه‌های اصلی رضایت جنسی خود آشکارسازی است. هرچه رضایت جنسی بین زوجین بیشتر باشد، خودآشکارسازی نیز بیشتر صورت می‌گیرد که این خودآشکارسازی می‌تواند در مورد مسائل جنسی یا غیرجنسی باشد. زوجینی که در نتیجه رضایت جنسی اقدام به خودآشکارسازی جنسی می‌کنند، شریک زندگی خود را از نیازها، تمایلات، خواسته‌ها و ترجیحات جنسی خود آگاه کرده و بدین وسیله فرصت ارضای آن و تعهد زناشویی بیشتری را برای همسر خود فراهم می‌کنند. درحالی که در نبود نارضایتی جنسی و صمیمیت، این قبیل مسائل هرگز ابراز نشده و زمینه برای نارضایتی جنسی و پیدایش مشکلات جنسی فراهم می‌شود؛ لذا، رضایت جنسی به‌خصوص در اوایل زندگی زناشویی، چاره‌جویی را برای

که می‌توان گفت روابطی از نظر صمیمیت ارضا می‌شوند که در آنها دلبستگی هیجانی، ارضای نیازها و بیان احساسات مثبت و گاهی منفی وجود داشته باشد. نیاز به صمیمیت عاطفی؛ به معنی نیاز به ارتباط و در میان گذاشتن هیجان‌ات عاطفی و احساسات مثبت مانند شادی و رضایت و احساسات منفی مانند ناراحتی، خشم، ترس و خستگی با همسر است. از این رو، بیش‌ترین تلاش در زندگی زوجین در جهت ارضای صمیمیت عاطفی صورت می‌گیرد. از آنجا که بیان احساسات مثبت و منفی برای همسر، به زوجها کمک می‌کند تا راحت‌تر بتوانند احساسات مثبت و منفی خود را با یکدیگر در میان بگذارند، این امر باعث می‌شود زوجین احساس صمیمیت بیشتری داشته باشند و به تعهد زناشویی و ارزشمندی خود در مقابل یکدیگر ببالند. وقتی صمیمیت در زوجین ارضا شود، زوجین نسبت به زندگی و ازدواج متعهدتر می‌شوند و صمیمیت در ازدواج ارزشمندتر می‌شود؛ چرا که تعهد، ثبات رابطه را محکم می‌کند. تعهد، یک فرایند پیچیده است که شامل عاطفه، شناخت و تغییر در رفتار است. نیاز به تعهد، با یک رابطه عاطفی شروع می‌شود. عاطفه‌ای که در حریم‌های فیزیکی، اخلاقی و روانی وجود دارد و عاملی است که به تداوم زندگی صمیمی زناشویی و وفادار ماندن به تعهد در مقابل همسر و ازدواج منجر می‌شود. باید گفت که تعهد زناشویی یعنی انتخابی هوشیارانه؛ انتخابی که وابسته به صمیمیت عاطفی و بودن با یک شریک و پرهیز از رابطه با دیگری است. در تبیین نتایج به‌دست‌آمده مبتنی بر نقش پیش‌بینی‌کنندگی رضایت جنسی برای تعهد زناشویی کارکنان اقماری می‌توان گفت رضایت جنسی اولیه برای بهره‌مندی رضایت‌بخش از رابطه جنسی با همسر به‌ویژه در زنان امری ضروری است، این رابطه، دوسویه است، به این معنا که با افزایش رضایت جنسی، تعهد زناشویی افزایش می‌یابد و با افزایش تعهد زناشویی، رضایت جنسی افزایش پیدا می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد رضایت‌مندی و تعهد زناشویی کارکنان اقماری ایجاد صمیمیت جنسی در بین آنها است. در واقع زوجین در محیطی صمیمانه و شاد است که قادرند روابط جنسی رضایت‌بخش‌تری را تجربه کنند و بتوانند به جذابیت این ارتباط در طی زمان تداوم ببخشند و آن را پایدار نگه دارند. بدیهی است برای ایجاد

کاری و سازمانی به‌گونه‌ای طراحی گردد که نتیجه آن، ادراک یک محیط آرام و همراه با صمیمیت برای کارکنان اقماری باشد تا آنها استرس‌های ناشی از دوری خانواده و شرایط سخت کاری را کمتر تجربه کنند. از طرفی، می‌توان از طریق آموزش تغییر الگوهای ارتباطی غیرسازنده به سازنده به کارکنان اقماری و زوجین کمک کرد تا از طریق شناسایی و اصلاح سبک‌های ارتباطی مخربی که باعث کاهش تعهد زناشویی زوجین و منجر به خیانت زناشویی می‌شود، روابط خود را بهبود بخشند و باعث غنی‌سازی زندگی مشترک خود گردند. از طرفی، متخصصان می‌توانند با تمرکز بر تغییر مدل‌های ارتباطی در زوجین نسبت به افزایش صمیمیت و رضایت جنسی و کاهش تعارضات زناشویی زوجین (که از دلایل گرایش به بی‌تعهدی و خیانت زناشویی است)، به پژوهش‌های مرتبط با این موضوع اقدام کنند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش و اندک بودن تحقیقات انجام‌شده در زمینه مسائل زناشویی کارکنان اقماری، توصیه می‌گردد که پژوهش‌های دیگری در این حیطه و در شهرها و فرهنگ‌های مختلف با در نظر گرفتن عواملی نظیر ساختار خانواده، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده، فرزندان، تحصیلات زوجین و عوامل دیگر به عنوان موارد اثرگذار بر متغیرها مورد بررسی قرار گیرند.

زوجین ایجاد می‌کند که در آن می‌توانند صمیمیت، لذت، تعهد و محبت را به بهترین شکل ممکن تجربه کنند.

این پژوهش در مورد کارکنان اقماری شهرستان بوشهر انجام گرفته و پیشنهاد می‌شود که تعمیم نتایج آن به دیگر شاغلان استان‌های دیگر باید با احتیاط صورت گیرد و نیز نمونه مورد بررسی نسبت به جامعه آماری پژوهش حجم محدودی دارد که در تعمیم نتایج آن باید محتاطانه برخورد کرد. ابزار به‌کاررفته در این پژوهش، پرسش‌نامه بوده و افراد ممکن است به دلایل مختلف واقعیت‌ها را در مورد خود و شخصیت خویش منعکس نکرده باشند. برای رفع این کمبود بهتر است از مصاحبه و مشاهده یا سایر موارد در صورت امکان استفاده گردد که در این تحقیق به دلیل محدودیت‌های زمانی، منابع و امکانات این امر میسر نگردید. از سوی دیگر، عدم امکان کنترل و همگن نمودن متغیرهای مداخله در گروه نمونه و نیز عدم پاسخگویی بعضی از کارکنان اقماری به گزینه‌های خاص در مورد خود و محتاطانه عمل کردن بعضی از آنها برای فاش نکردن وضعیت خود از دیگر محدودیت‌های پژوهش بود.

با توجه به اینکه نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، وجود ارتباط بین الگوهای ارتباطی خانواده، رضایت جنسی و صمیمیت زناشویی با تعهد زناشویی در کارکنان اقماری را تأیید می‌کند، پیشنهاد می‌گردد مشاوران شغلی و همچنین مراکز مشاوره خانواده از نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش استفاده کنند. از سوی دیگر، شرایط محیط

## منابع

میانجی‌گر صمیمیت زناشویی. روان‌شناسی کاربردی، 14 (53)، 139-158.

تقی یار، ز (1393). بررسی رابطه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و سبک‌های عشق‌ورزی با صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

جانسیون، ام. سیوزان، ویفن، والری ای (2005). فرایندهای دلبستگی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی. ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران (1392) تهران: نشر دانژه.

دیباچی، م (1391). بررسی رابطه تعارض کار - خانواده با حمایت سازمانی ادراک شده، استرس شغلی و خود

بشارت، م، و رفیع، ب (1396). پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی. فصلنامه روان‌شناسی خانواده، 8، 61.86(4).

باگاروزی، ای (2002). افزایش صمیمیت زناشویی در ازدواج. ترجمه آتش تقی‌پور، ح؛ اعتمادی، ع (1384). اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد خوراسگان.

تریوه، ب، و کریمی، ک، و اکبری، م، و مرادی، ا (1399). الگوی ساختاری تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی زناشویی، درگیری عاطفی و انتقاد در خانواده: نقش



در زنان: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی. خانواده‌درمانی کاربردی، 2، (1)، 1-22.

مدرسی، ف. و زاهدیان، س (1392). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای روابط فرازناشویی. دومین همایش ملی روان‌شناسی - خانواده، مردشت: دانشگاه آزاد.

نوروزی، س.، و رضاخانی، س.، و وکیلی، پ (1398). رابطه علی بین چشم‌انداز زمان و بی‌ثباتی ازدواج بر اساس نقش میانجی‌گر الگوهای ارتباطی در زنان و مردان متأهل. روان‌شناسی کاربردی، 13(3)، 433-451.

هنرپروران، ن.؛ تبریزی، م.؛ نوایی نژاد، ش. شفیع آبادی، ع (1390). اثربخشی آموزش رویکرد هیجان‌مدار بر رضایت جنسی زوج‌ها. اندیشه رفتار، 4(15): 59-70.

Adams, J.M., Jones, W.H. (1999). Interpersonal commitment in historical perspective. In Adams, J.M., & Jones, W.H. (EDS). Handbook of interpersonal commitment and relationship stability (pp.3-33).

bakhtyari E, hosseini S, arefi M. (2021). The Mediating Role of Marital Intimacy in the Relationship between Attachment Style and Couples' Attitude Towards Infidelity. QJCR; 20 (77) :122-140.

Bagarozzi, D.A. (2001). Enhancing intimacy in marriage. Banner Roulade. Tylor and Frances group. USA.

Byers, S.A. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: a longitudinal study of individuals in long-term relationships. J Sex Res. 42(2): 11.

Grosswald B. (2004), The effects of shift work on family satisfaction ,families in society. The Journal of contemporary Social Services; 85(3):413-423.

Harris, V. W. (2006). Marital quality, context, and interaction: A comparison of individuals across various income levels. Socio Context, 17, 1, 48-52.

Kapinus, C. A.. johnson, m. p. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tools. Commitment and family life- cycle stage. Journal of family issues, 24(2), 155-184.

Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. Communication Theory, 12, 70-91.

Kossek, E. & Demarr, B. (2014). work- Family role synthesis: individual and organization-

تسلطیابی در کارکنان اقماری، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، 1(2)، 151-170.

رضایی، ج (1389). تأثیر آموزش سبک زندگی اسلام محور با تأکید بر نظام خانواده بر تعهد و راهکارهایی برای افزایش صمیمیت زوجین. چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص 217.

صنعتی، ا (1394). ارائه مدل علی ابعاد صمیمیت زناشویی و رضایت جنسی با نقش واسطه‌ای سبک‌های دل‌بستگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده علوم تربیتی.

فرداد، ف.، و دوگانه‌ای فرد، ف.، و میرهاشمی، م (1400). الگوی ساختاری تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی

al determinants. International Journal of conflict management ;10:102-129.

Masters WH, Johnson VE.(2014). Human sexual inadequacy. Boston: Little Brown; 1970.

Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. Review of Economic Dynamics, 11, 614-628.

Masters, W.H., Johnson, V.E., & Colony, RC. (1980). On Sex and Human loving Boston, MA: Little, Brown.

Mosko, J. (2009). Commitment and attachment dimensions. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: Purdue University.

Mosko, J.(2009). Commitment and attachment dimensions. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: Purdue University.

Nichols, M. P. (2005). Concurrent discriminant validity of the Kansas marital satisfaction scale. Journal of Marriage and the Family, 48(2): 381-387.

Slosarz. W. J. (2000). Relationship between lifestyle and factors affecting sexual life. Journal of Sexual and Relationship Therapy, 15(2): 367-380.

Takeuchi, R., Yun, S., & Tesluk, P. E. (2002). An examination of crossover and spillover effects of spousal and expatriate cross-cultural adjustment on expatriate outcomes. Journal of Applied Psychology, 87(4), 655-666.

Trudel, G. (2002). Sexuality and marital life: Result of survey. Journal of Sex

Stanley, S.M., Mark man, H.J., & Whiten, S.W. (2002). Communication, Conflict, and Commitment: Insight on the foundation of relationship success from national survey. *Family process*, 41-660.28, (3): 229-240.

Weinberger, M.I., Hofstin. Y., & Susan Kraus whit bone. (2008). Intimacy in young adulthood as a predictor of divorce in mid-life. *Personal relationship*, 75, 551-557.

COPYRIGHTS



© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)